



تظاهرات در گوتنبرگ در اعتراض به اعدام



انقلاب اکتبر و رهایی زنان ۴

بسیج سیاسی - اجتماعی زنان

ژنوتدل بخش سوم

صفحه ۴

آذر ماجدی



کشمکش اسلام و سکولاریسم در ترکیه تعرض جدید اسلام به حقوق زن

صفحه ۷

سیاوش دانشپور



تظاهرات در گوتنبرگ علیه راسیسم متحد شویم!

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



سپتامبر پائوس فیساس خواننده رپ سوسیالیست را به قتل رساندند.

سوئد از این اوضاع جدا نیست: نتیجه سیاست های دولت بورژوازی سوئد در ارقام حزب "دموکراتهای سوئد" در نطرسنجی ها مشاهده می شود. پیشروی دموکراتهای سوئد به خشونت های نازیستها پا داده است. زمانی که نازیستها در خیابانها مارش می کنند دموکراتهای سوئد بلند گویشان در مجلس سوئد هستند. وقتی دولت سوئد 1500 میلیارد کرون برای نجات سیستم بانکی از ورشکستی پول پمپاژ میکند، میتوان گفت منابع کافی برای سیستم آموزشی، بهداشت و درمان و افزایش دستمزدها وجود دارد. آن چیزی که رفاه جامعه را از دستور خارج می کند اولویت سیاستمداران است. دموکراسی اروپا را نباید یک داده همیشگی فرض گرفت. ما شاهد پیشروی نیروهای راسیستی در پی سیاست های راست دولتها هستیم. در نروژ دولت دست راستی با یک حزب راسیستی کابینه تشکیل میدهد. ثبت رومها در سوئد یک امر ساده پلیسی نیست بلکه نتیجه مستقیم یک سیستم راسیستی در سوئد همچون فرانسه و مجارستان است.

میشود جلو راسیست ها را گرفت: گروههای راسیستی و نازیستی را می توان ناکام گذاشت. این امر در گرو سازماندهی ماست. این گروهها از سیاست دست راستی دولتها تغذیه می شوند. تعرض به رفاه اجتماعی، بیکاری، افزایش شکاف طبقاتی و حاشیه نشینی و جدا سازی سیاست های است که دولتهای بورژوازی در پیش گرفته اند. برای افسار زدن به راسیسم و فاشیسم سیاست متفاوتی لازم است که از نیاز مردم در جامعه برای کار، مسکن، امنیت و رفاه حرکت کند. به اندازه کافی امکانات و علم بشری موجود است که بتوان یک دنیای انسانی ساخت. دنیایی که همبستگی و نیاز جامعه به رفاه بر سود سرمایه تقدم داشته باشد. برای امکان پذیر کردن این دنیا سیاست دیگری لازم است. امکانات جامعه برای نیاز باید سازمان داده شوند و سرمایه داران باید هزینه بحرانشان را خود بپردازند.

برای مقابله با راسیسم متشکل شوید!

شبهای کریستال بس است! گزارش از تظاهرات روز نهم نوامبر

ساعت ۲ بعد از ظهر روز شنبه ۹ نوامبر صدها انسان آزادیخواه و برابری طلب به فراخوان احزاب و سازمانهای سوسیالیستی و چپ به خیابان آمدند تا به یک مبارزه متحدانه علیه راسیسم موجود اعتراض کنند. به خیابان آمدند تا نشان بدهند علل گسترش راسیسم و نازیسم چون هفتاد و پنج سال پیش ریشه در اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه دارد. تظاهر کنندگان در زیر باران با در دست داشتن باندرول و شعارهای کوبنده علیه راسیسم و نازیسم خیابان اصلی شهر را به لرزه درآوردند. تظاهرات با بیانیه مشترک تظاهرات توسط Minela Mahumutovic و سخنرانی Fanny Edstam به نمایندگی از طرف احزاب، سازمانها و نهادهای فراخوان دهنده به پایان رسید.

گزارش تصویری سازمان آزادی زن را در لینک زیر مشاهده کنید!

<https://www.facebook.com/photo.php?fbid=10151777310246868&set=a.10151777310196868.1073741834.685256867&type=1&theater>

متن سخنرانی Fanny Edstam

مبارزه متحدانه علیه راسیسم! "شب های کریستال بس است!"

هفتاد و پنج سال پیش شب کریستال اتفاق افتاد. قرار بود کولیان و یهودیان نیست شوند و کمونیستها و جنبش کارگری نابود شود. علل گسترش راسیسم و فاشیسم اکنون هم چون آن زمان ریشه در اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه دارد. بحران سرمایه داری در سالهای 1930 و همچنین عصر حاضر سیاستمداران و سرمایه داران که هزینه و پیمادهای بحران سرمایه داری را بر دوش کارگران میگذارند و به رفاه اجتماعی تعرض می کنند، عامل رشد نیروهای اولتر راست می باشند. زمانی که سیاستمداران تخریب رفاه عمومی جامعه را در دستور دارند و بودجه های رفاهی را در جامعه پایین می آورند راسیست ها علت این تخریب را مهاجرین و پناهندگان عنوان می کنند. یونان مثال هشدار دهنده ای است: نیروهای اولتر راست در خلا رشد نمی کنند. زمانی که سیاستمداران راهی جز ریاضت اقتصادی برای بحران سرمایه ندارند آبشخوری برای نیروهای راسیستی و پوپولیستی میشوند. شفق رنگارنگ "حزب راسیستی در یونان" در انتخابات 2012 به جلو صحنه رانده شد. بعد از این ماجرا ما شاهد افزایش خشونت علیه پناهندگان و کشتن فعالین کارگری بودیم. فاشیستها به تحسن کنندگان، به میادین و اعتراض کنندگان حمله می کنند. در ماه

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



عکسهائی از تظاهرات علیه اعدام در گوتنبرگ سوئد



اعدام قتل عمد دولتی است!

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!
با ما ارتباط بگیرید.
نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.
شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.
اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.
جمع های خود را گسترش دهید.
از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.
در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آبارناید جنسی لغو
باید گردد شرکت کنید.
دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سرمدبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

اسلام ضد زن است!



انقلاب اکتبر و رهایی زنان ۴

بسیج سیاسی - اجتماعی زنان

ژنوتدل بخش سوم

آذر ماجدی

مقدمه

انقلاب اکتبر یکی از مهمترین لحظات تاریخ جنبش برابری طلبی زنان است. برای اولین بار در تاریخ بشریت یک جنبش توده ای وسیع یک انقلاب عظیم، تعهد خود را به برابری زن و مرد اعلام کرد. نظام و دولتی که با پیروزی این انقلاب تولد یافت، از همان لحظه نخست به امر رهایی زنان همت گماشت. کلیه قوانینی که نسبت به زنان تبعیضی قائل می شد، لغو گردید. برابری زن و مرد در کلیه عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بصورت قانون تصویب شد؛ سازمانی برای پیشبرد این امر مهم ایجاد گردید که وظیفه آگاه کردن جامعه نسبت به برابری زن و مرد، بسیج زنان برای گسترش هر چه بیشتر این حقوق تازه بدست آمده و امحاء تمامی سنن عقب مانده و دست و پاگیر زنان را بعهده داشت. تعهد دولت و نظام جدید صرفاً به تصویب قوانین ختم نمی شد، پیاده کردن این امر در عمل یکی از وظایف مهم آنرا تشکیل می داد.

دستاوردهای این تجربه آنچنان عمیق و گسترده است که علیرغم شکست آن در نیمه راه، نه تنها مهر خود را بر جنبش بین المللی زن هم دوره خود کوبید، بلکه جنبشی که چند دهه بعد در غرب شکل گرفت نیز بسیار از آن متأثر شد. اما این جنبش در نیمه راه شکست خورد نه به این خاطر که پیشتازان انقلاب اکتبر از جوابگویی به مساله زن عاجز بودند، نه به این خاطر که سوسیالیسم با برابری زنان خوانایی ندارد، نه به این خاطر که رهبران انقلاب و ایدئولوژی ای که بر انقلاب ناظر بود مطالبات و خواست زنان را تابع جنبش عمومی سوسیالیستی کردند، بلکه به این خاطر که خود جنبش عمومی و برنامه و اهداف ناظر بر انقلاب شکست خوردند؛ بیک عبارت، حکومت کارگری در روسیه شکست خورد. از این

تجربه و از تلاشهای خستگی ناپذیر فعالین آن بسیار می توان آموخت. بهمین خاطر در سالگرد انقلاب اکتبر، در چند شماره نشریه آزادی زن به بررسی و تحلیل برخی جوانب آن خواهیم پرداخت.

موانع و معضلات

عقب ماندگی روستاها

یکی از موانع اصلی در مقابل فعالیت های رهایی بخش ژنوتدل، محافظه کاری و ساختار پدر سالارانه زندگی روستایی بود. در زمان انقلاب دهقانان ۸۵٪ جمعیت روسیه را شامل می شدند. آنها فقط تا آنجا از انقلاب پشتیبانی می کردند که به مساله مصادره و باز تقسیم زمین مربوط می شد. و رای آن، روستائیان در مقابل تحولات اجتماعی و سیاسی که انقلاب نوید می داد، مقاومت می کردند. مردان بسیار نگران صحبت های انقلابی درباره رهایی زن بودند. یک نمونه از این هراس و مقاومت را می توان در نامه ای که تعدادی دهقان برای ماکسیم گورکی در بهار ۱۹۱۸ نوشته اند به روشنی مشاهده کرد. این مردان دهقان از گورکی می پرسند:

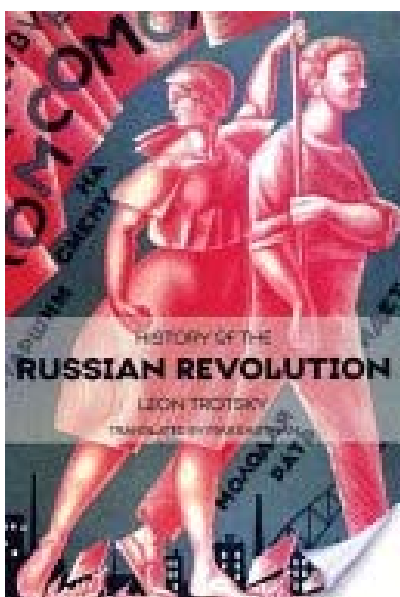
"ما چگونه باید این تساوی اعلام شده زنان با خودمان را درک کنیم و زنان اکنون چه خواهند کرد. دهقانانی که این نامه را امضاء کرده اند بشدت نگران این قانون هستند که در نتیجه آن هرج و مرج ممکن است افزایش پیدا کند و روستا اکنون توسط زنان حمایت می شود. خانواده ملغی شده است و این مساله نابودی کشاورزی را بدنبال خواهد داشت." (ماکسیم گورکی، افکار بیموقع، رساله هایی درباره انقلاب، فرهنگ بلشویکیها ۱۹۱۷-۱۹۱۸ ص ۵۶).

اما فقط مردان نبودند که در رابطه با این ایده های نوین احساس خطر و گنجی می کردند، زنان هم در مقابل تحولات نوید داده شده مقاومت می کردند. ارائه یک ارزیابی دقیق از برخورد زنان نسبت به پیام برابری جنسی امر پیچیده ای است؛ اما اگر بخواهیم بر مبنای شرکت زنان در جلسات ژنوتدل قضاوت کنیم، تصویر تاریک است. بطور مثال در ۱۹۲۱ فقط ۱۴۷۰۹ زن دهقان در ۱۵ استان مرکزی روسیه که میلیونها نفر جمعیت داشت در این جلسات شرکت کردند. البته دو فاکتور در این تعداد کم شرکت کننده بسیار موثر بود، یکی تعداد بسیار اندک سازماندهندگان ژنوتدل که با زنان دهقان کار می کردند؛ دوم هراس زنان از عواقب خانوادگی شرکت در چنین فعالیت هایی. فعالین ژنوتدل که در دهات کار می کردند، گزارش کرده اند که تعداد بسیار کمی از زنان به فراخوان های آنها پاسخ می دادند. دهقانان به برنامه بلشویکی برای رهایی زنان بی اعتماد بودند، بخاطر اینکه فکر می کردند اخلاقیات و ساختار خانواده روستایی را متزلزل می کند. آنها عموماً مخالف ایده نهادهای اجتماعی نگهداری از کودکان بودند. در ۱۹۲۱ یک جلسه زنان دهقان باتفاق آراء رای داد که "با ایجاد و سازماندهی مهدهای کودک مخالف است، از اینرو که هیچ مادری در میان ما حاضر نیست نگهداری از کودکانش را از دوش خود بردارد." (کمونیستکا شماره های ۱۳-۱۲، ۱۹۲۱).

در برخورد به این هراس و نگرانی ها و شیوه برخورد های محافظه کارانه زنان دهقان، ژنوتدل به سازماندهندگان توصیه کرد که از

صفحه ۵

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



در هر اول ماه مه یا روز جهانی زن، هزاران زن در بازار جمع می شدند و جسورانه حجاب و چادرهایشان را پاره می کردند.

مشکلات درون حزبی

علیرغم حمایت رسمی حزب و پشتیبانی کامل لنین، ژنوتدل در کمیته های محلی حزبی با بی تفاوتی و بعضاً تخاصم مواجه می شد. بعضاً در سطح استان تلاش می شد که ژنوتدل را منحل کنند. باین ترتیب، ژنوتدل مجبور می شد که نزد کمیته مرکزی و در کنگره های حزبی از این شرایط انتقاد و شکایت کند. در کنگره های نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم که بترتیب در سالهای ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ برگزار شد، این انتقادات و شکایات ارائه شد و هر بار کنگره قطعنامه ای در رابطه با نیاز به ژنوتدل تصویب کرد.

بطور مثال در کنگره یازدهم، اسمیدوویچ، مدیر ژنوتدل، درباره برخورد به ژنوتدل در استانها شکایت کرد. او گفت: "بهتر است که بخش های زنان را منحل کرد تا آنها به موجودیت خفت بارشان در بسیاری از استانها ادامه دهند." او سپس خواهان شد که مساله برخورد حزب به ژنوتدل یکبار برای همیشه حل شود. کنگره قطعنامه ای تصویب کرد مبنی بر

صفحه ۶

انقلاب اکتبر و رهایی زنان ۴

بسیج سیاسی - اجتماعی زنان

ژنوتدل بخش سوم

می زدند و هر وقت میلشان می کشید، شلاقمان می زدند. اگر می خواستند یخ بزنیم، ما یخ می زدیم. دخترانمان را که مایه شادی و کمکمان در خانه بودند، همانگونه که پدرانمان ما را بفروش رسانده بود، می فروختند." مشکل اصلی نبود کادرهای فعال محلی بود. ژنوتدل مجبور بود که انقلابیون و تعلیم دهندگان روسی را به این مناطق برای کار اعزام کند. طبق گفته بت استاوراکیس، یک سازمانده ژنوتدل، عدم وجود بلشویک های محلی، مشکل زبان، وسعت منطقه، بی سواد، مذاهب مختلف، و از همه مهمتر خصومت وحشیانه مردان، ژنوتدل را وادار ساخت که روشهایی مطابق با شرایط محلی اتخاذ کند. ملاقاتهای مخفیانه، جلسات در حمام های عمومی، گروه های کوچک در ابتدای کار و "کلوب های زنان" برخی از این اقدامات بود. واکنش مردان به این فعالیتها خشونت بود. ریچارد استابترز، محقق، توصیفاتی از این خشونت مردان ارائه می دهد:

"زنانی که از کلوب ها خارج می شدند از جانب مردان با سنگ های وحشی و آب جوش مورد استقبال قرار می گرفتند. یک دختر بیست ساله مسلمان که مایو بتن کرده بود توسط پدر و برادرانش که این شرم را نمی توانستند تحمل کنند، تکه تکه شد. یک زن فعال هجده ساله از یک تکه تکه شده و در چاه انداخته شده بود. آسیای مرکزی در سه ماه از ۱۹۲۹ شاهد ۳۰۰ جنایت از این نوع بود."

کمیته اجرایی مرکزی پس از مشورت با ژنوتدل تصمیم گرفت که این نوع جنایات را بعنوان "جرائم ضد انقلابی" دسته بندی کند. اما علیرغم خطر زیاد، بسیار از زنان داوطلب کار با ژنوتدل بودند و

سخنرانی در مورد ایدئولوژی کمونیستی پرهیز کنند، آنچه بقول سامویلووا دهقانان "مثل لولو خورخوره" از آن وحشت داشتند. به سازماندهندگان گفته شد که بر اقدامات عملی بلافاصله ای که زندگی زنان را بهبود می بخشد، تمرکز کنند. اما یک بخش از زنان روستایی با یک گرمای نسبی از ژنوتدل استقبال می کردند: بیوه ها و همسران سربازان. آنها محرومترین و بی حقوق ترین بخش جمعیت روستایی محسوب می شدند. بطور مثال یک تحقیق در سال ۱۹۲۴ نشان می دهد که ۲۳٪ خانواده های بی زمین در ۳۴ استان روسیه مرکزی توسط زنان سرپرستی می شدند. در این مقطع اکثر زنان دهقانی که سرپرست خانواده بودند، بی زمین بودند و خود و فرزندانشان بعنوان کارگر روز کار شاغل بودند. آنهایی که تکه زمینی داشتند برای کشت آن با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می کردند. آنها معمولاً مورد اذیت و آزار کشاورزان قرار داشتند و زمانی که می کوشیدند از حق خود دفاع کنند مورد تحقیر قرار می گرفتند. عموماً بیوه ها و همسران سربازان در جلسات ژنوتدل شرکت می کردند و به دفاتر آن برای ایجاد مهد کودک، دوره های آموزشی کشاورزی و سایر خدمات اجتماعی رجوع می کردند.

بخش های "شرقی"

فعالیت در میان زنان "شرقی" سخت ترین بخش وظایف ژنوتدل بود. در یک مکالمه با کلارا زتکین، در قفقاز در سال ۱۹۲۱، برخی از این زنان درباره زندگی مشقت بارشان تحت نرم های سنتی سخت گیرانه صحبت می کنند. یکی از آنها می گوید: "ما بردگان خاموش بودیم." دیگری می گوید: "ما باید در اتاق های خود پنهان می شدیم و در مقابل شوهرانمان، که اربابانمان بودند، کز می کردیم." سومی می گوید: "پدرانمان در ده سالگی یا حتی کوچکتر ما را می فروختند. شوهرانمان با چوب ما را کتک

سازمان آزادی زن برگزار می کند:

جلسه سخنرانی بمناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان

تاریخ: شنبه ۲۳ نوامبر، ساعت ۵ تا ۷
بعد از ظهر

محل: ویکتوریا هوست، ساختمان
اجتماعات هاگابیو

انقلاب اکتبر و رهایی زنان ۴

بسیج سیاسی - اجتماعی زنان
ژنوتدل بخش سوم

اینکه ژنوتدل باید حفظ شود و به کمیته های حزبی گفت که سازماندهندگان مجرب و هر نوع حمایت لازم را در اختیار ژنوتدل قرار دهند. این قطعنامه تلاشهای برخی از کمیته های محلی برای انحلال ژنوتدل را پایان بخشید. اما در سال ۱۹۳۰ بعنوان بخشی از طرح تغییر سازماندهی دبیرخانه، ژنوتدل منحل شد و کار در میان زنان بعنوان بخشی از کار عمومی حزب تحت بخش گسترش یافته اجیت - پروپ (اژیتاسیون - پروپاکاند) درآمد.



انحلال ژنوتدل بمعنای پایان کار حزب در میان زنان نبود. این فعالیت تحت ارگانهای دیگر حزب ادامه یافت. اما بهر رو یک نقطه عطف در برخورد حزب به مساله رهایی زن بود. انحلال ژنوتدل در این مقطع مهم که نبرد بر سر آینده انقلاب و اهداف آن تعیین تکلیف شده بود، انجام گرفت. انحلال ژنوتدل در مرحله اولیه طرح صنعتی کردن سریع و کلکتیویزاسیون کشاورزی انجام گرفت. پروسه صنعتی کردن و کلکتیویزاسیون به فداکاری های بسیار از جانب مردم زحمتکش نیازمند بود. و باین ترتیب مبارزه برای بهبود زندگی روزمره زنان کارگر و دهقان که هدف اصلی ژنوتدل بود، با این طرح ها سازگار نبود. مبارزه برای اجتماعی کردن کار خانگی و آنگونه که برخی آنرا توصیف می کردند "جدایی آشپزخانه از ازدواج" یک وظیفه مهم دیگر ژنوتدل، دیگر مناسبت نداشت. در واقع دولت کمپینی برای تحکیم مناسبات کهن خانواده بورژوازی را آغاز کرد، نهادی که بلشویک های اصلی از آن منتفر بودند. انحلال ژنوتدل یک واقعه ایزوله در حیات سیاسی جامعه نبود، بلکه بخشی از تحول عمومی زندگی سیاسی بطور کلی در جامعه محسوب می شد.

ادامه دارد...



- شکنجه و اعدام بیش از ۱۰۰ هزار تن از زندانیان سیاسی
- سنگسار زنان و مردان به جرم عشق ورزیدن
- اعدام هم جنس گرایی
- تجاوز اسلامی به دختران ۹ ساله
- سرکوب هرگونه آزادی سیاسی، عقیده، اجتماعات، مطبوعات، تشکل، اعتصاب و تظاهرات
- اعمال اپارتاید جنسی در جامعه
- اعمال حجاب اجباری
- سرکوت سیستماتیک زنان
- تحمیل فقر و فلاکت و گرسنگی گسترده بر جامعه
- استعمار قانونی کودکان خردسال،
- عدم پرداخت چندین ماهه حقوق صدها هزار کارگر،
- سرکوب خوشی و شادی فراغت
- غارت و جباول اموال مردم



مرکز پیگرد سزان رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران! www.wantedbypeople.com

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!



کشمکش اسلام و سکولاریسم در ترکیه

تعرض جدید اسلام به حقوق زن

سیاوش دانشپور

و در منطقه متکی کرده است؟ این سوالات و سوالاتی از این نوع البته فقط وقتی میتوانند مطرح باشند که کشمکش های سیاسی- طبقاتی دیرینه در این کشور و در منطقه قابل بازشناسی باشند.

واقعیت اینست که سکولاریسم جنبشی قوی و ریشه دار در این کشورها است. نماینده این سکولاریسم برای دوره طولانی چپها، کارگران، سوسیالیستها و انسانهای آزاداندیشی بوده اند که به تجدد و علم و پیشرفت بها داده اند. در تقابل نیروهای گورستانی و واپسگرا وجود داشته اند که از موضع قرون وسطی، از موضع اسلام سیاسی و از موضع نیازهای سرمایه داری متکی بر اختلاف و دیکتاتوری، اسلام و تبعیض و نابرابری نهادینه در آن را ایزاری قوی و کارا برای سرکوب جنبشهای آزادیخواهانه کارگری و سوسیالیستی تلقی کرده اند. در این میان زنان "حلقه ضعیفی" بوده اند که تعرض به آنها با اتکا به مردسالاری ریشه دار در جوامع طبقاتی همواره در دستور روز بوده است. اما تاریخ و سابقه مسئله هرچه بوده است، امروز آنچه اردوغان و خامنه ای و فلان شیخ پشم الدین در کویت و عربستان را به ضدیت مستمر با زنان میکشاند، اسلام است. اسلام بعنوان روینای سیاسی سرمایه داری در این کشورها، اسلام بعنوان نیروی ضد کمونیست و ضد برابری طلبی. اسلام سیاسی امروز حتی جنبشهای هم طبقه ای خویش مانند لیبرالیسم و ناسیونالیست های آتاتورکیست را پس میراند تا امکان تعرض سکولاریسم در مقیاس جامعه و برابری طلبی کارگری و سوسیالیستی را به حاشیه براند و یا دستکم در موضعی بشدت دفاعی قرار دهد. درک این نکته مهم است که این کشمکش امری بی

صفحه ۸

"اختیار" دارد از مکانیسم صندوق ها در می آید. در تونس نیز النهضه کارش به تروریسم کشید و بناچار زیر فشار مخالفین کنار کشید تا شرایط را برای دور بعد و حضورش در صحنه سیاسی حفظ کند.

آنچه در این کشورها رخ داد و هنوز تعیین تکلیف نشده است، مستقل از صورت ظاهر آمدن و رفتن این احزاب، کشمکشی پایه ای است که چند دهه است در کشورهای منطقه در جریان است: تقابل سکولاریسم و ایجاد جامعه ای آزاد و برابر با ارتجاع و اسلام و سرمایه داری! اما هر جنبشی که نتواند کمر ارتجاع سیاسی را بشکند، بناچار متفرق میشود و عقب نشینی هائی به آن تحمیل میشود. در ترکیه اردوغان و اسلامیه برگشته اند تا ضربات ناشی از اعتراضات میلیونی در بیش از هشتاد شهر ترکیه را جبران کنند. روزی تحت عنوان "بسته رفرم" زنان محجبه را به تلویزیون و رادیو و مراکز اداری و آموزشی می آورند. روزی علیه بوسه عشاق در خیابانها کف بر دهان می آورند و یا خواستار تعطیلی مشروب فروشی ها می شوند. و امروز میخواهند آپارتاید اسلامی را در مراکز آموزشی و خوابگاههای دانشجویی حاکم کنند. یک سوال واقعی میتواند این باشد که چرا دولت اسلامی و شبه سکولار ترکیه مسائل مهم منطقه ای و جهانی و داخلی را حاشیه ای میکند اما بطور سیستماتیک علیه زنان شمشیر میزند؟ چرا دولت ترکیه و اسلامیهای حزب رفاه و توسعه به القاعده ایها در سوریه و منطقه کمک میکنند اما به روی شهروندان سکولار شمشیر میکشند؟ چرا رویای پوچ احیای امپراطوری اسلامی عثمانی خود را به ضدیت با زنان و سکولاریسم در ترکیه

بار دیگر صحنه سیاسی ترکیه برسر تحمیل قوانین اسلامی توسط دولت اردوغان و مخالفین سکولار و چپ اسلامیزه کردن جامعه ترکیه قطبی شده است. اردوغان "لیبرال" و نماینده "اسلام معتدل و پرو غربی"، اینبار برای برچیدن خوابگاههای مختلط دانشجویی خیز برداشته است. اردوغان و شرکا میگویند این خوابگاهها "غیر شرعی" است و تلاش دارند تدریجا اما سیستماتیک سیستم آپارتاید جنسی را بر جامعه ترکیه تحمیل کنند. البته نباید یادمان برود که اردوغان و حکومتش نور چشمی آمریکا و شرکا و مدل مورد نظر آنان برای مردم تحت انقیاد در کشورهای خاورمیانه است. قرار بود در تقابل با اسلام سیاسی به اصطلاح "فاندمانتالیست" نوعی اسلام "خوش خیم" و غربی جلو صحنه آورده شود. قرار بود نوع اردوغان و محمد موری و غنوشی بجای امثال جمهوری اسلامی و طالبان و حزب الله بنشینند. این سیاست دو هدف مهم و ارتجاعی را دنبال میکند: اول، در جدال تروریسم دولتی و اسلامی تناسب قوای جدیدی را به جنبش اسلام سیاسی تحمیل میکند. دوم، اسلام را بعنوان یک طوق لعنت و یک ایدئولوژی ارتجاعی مدافع سرمایه داری که شدیداً ضد کمونیست و ضد چپگرایی است، در ساختار سیاسی و اداری این جوامع بعنوان مدل حکومتی تا اطلاع ثانوی نگاه میدارد.

اما کشتی مدل اسلام پاستوریزه نیامده به گل نشست. در خود ترکیه اعتراضات میلیونی که به بهانه پارک قزی شروع شد اردوغان را تا آستانه سقوط راند و بدون تردید در انتخابات آتی ترکیه کار اردوغان و حزبش تمام است. همینطور در مصر اخوانیه سقوط کردند. مردم زحمتکش مصر نشان دادند که رای واقعی مردم آنست که در خیابانها اعلام میکنند نه آنکه تحت تناسب قوای خاصی و با اجباری که صورت

حقوق زن نه شرقی است نه غربی، جهانی است!

۴- جنبش اسلام سیاسی امروز جنبشی برای تحمیل واپسگرایی و بازگردان عقربه تاریخ به معیارهای قرون وسطی است. سکولاریسم و برابری طلبی امروز نیز جنبشی است که اساسا خود را بر نفی تبعیض و ایجاد جامعه ای آزاد بنا کرده است. جامعه ای که سیستم سیاسی - اداری آن تبعیض را در اشکال دیگر نهادینه نمیکند بلکه از هویت‌های ملی و قومی و مذهبی گسست خواهد کرد و هویت انسانی و شهروندی را نقطه عزیمت حرکت خود قرار میدهد. جامعه ای در آن حق و مسئولیت به یک اندازه اهمیت دارند و تعلقات فکری و سیاسی و مذهبی این و آن مبنای هیچ امتیاز و حقوق ویژه ای نیست.

۵- تعرض جدید اسلاميون در ترکیه باید در هم کوبیده شود. هر آزادیخواهی ضروری است خود را کنار مردم کارگر و زحمتکش و نسل جدید سکولار و پیشرو ببیند و از تلاش آنها علیه اسلامیزه کردن جامعه ترکیه قویا حمایت کند. اسلام اردوغانی نفس های آخرش را میکشد و با این تلاشها دارد رسماً و قانوناً عقب نشینی هائی را به جامعه ترکیه تحمیل میکند. زنان، طبقه کارگر، سکولارها، سوسیالیستها و کمونیستها و هر انسان شریفی در شکست این موج ارتجاعی اسلامی ذینفع است. در تقابل اسلام و سکولاریسم، پیروزی سکولاریسم در خود مهم است. همینطور این پیروزی راه را برای پیشروی جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی هموارتر میکند.*

10-11-2013

کشمکش اسلام و سکولاریسم در ترکیه

تعرض جدید اسلام به حقوق زن ...

رفع تبعیض در ترکیه، باید روی این سیاست مشخص که تعرض اسلاميون در ترکیه معادل پسروی نیروهای ترقیخواه و برابری طلب و کل اردوی سکولاریستی در ترکیه و در منطقه است روشن باشند. باید بدون هیچ تردیدی علیه اسلامیزه کردن ترکیه بپاخاست.

۳- شکست سیاستهای اردوغان در ترکیه به شکست اسلاميون در منطقه ترجمه میشود و نیروی سکولاریستی و برابری طلب را در مصر و تونس و ایران و دیگر کشورها تقویت میکند. این دستاورد تثبیت میشود که اسلام اردوغان و مورسی و غنوشی مکلا با اسلام طالبان و بن لادن و خامنه ای و شیخ فهد ماهیتاً ضد زن اند. ماهیتاً ضد برابری اند. ماهیتاً ضد سکولاریسم اند. ماهیتاً ضد چپ اند. ماهیتاً ضد کمونیست اند. ماهیتاً ضد پیشرفت و ترقیخواهی اند. این دستاورد تثبیت میشود که شکست اسلام سیاسی نه کار بوش و بلر و براون و اوباما که کار بشریت متمدنی است که منفعتی در جنگ و مذاکره تروریستها و اردوی ارتجاع در منطقه و جهان ندارند.

رابطه به جامعه نیست، صرفاً کشمکش بین اسلام و ناسیونالیسم آتاتورکی نیست، صرفاً دعوی "بالائی" ها نیست. آنچه دارد اتفاق می افتد جلو آمدن نیروهای سیاه سرمایه داری است که برای پیشروی ناچار است بدوا صفوف خود بورژوازی و طبقات حاکمه را روی این سیاستهای ارتجاعی متحد کند تا بتواند تمایل سکولاریستی و سوسیالیستی قدرتمند در خود این جوامع را منکوب کند.

رئوس یک سیاست آزادیخواهانه در ترکیه

۱- در کشمکش کنونی باید بار دیگر روشن شده باشد که اسلام اردوغانی و مکلا موسوم به "معتدل و پرو غربی" ماهیتاً تفاوتی با اسلام عمامه ای و موسوم به "فاندمانتالیست" ندارد. این تقسیمات اگرچه از موضع رسانه های مفسر و جهت دار و از موضع منافع دول غربی دارای اهمیت اند، اما از موضع زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، از موضع جنبشی که برای آزادی و رفاه و سکولاریسم میجنگد، پیشیزی ارزش ندارد. اسیر شدن در این تقسیم بندیها عملاً قبول صورت مسئله طبقات حاکمه است. اسلام سیاسی را باید با نیروی برابری طلبی شکست داد.

۲- سکولاریسم یک پیش شرط مهم آزادی زن در ایران و ترکیه و کل منطقه است. قوانین و آموزش و پرورش و دولت نمیتواند اسلامی یا مذهبی باشد و توقع داشت سکولاریسم و حقوق بدوی شهروندان محلی از اعراب داشته باشد. سکولاریسم برای جنبش آزادی زن مهم و حیاتی است. لذا این جنبش بدون اینکه تحقق سکولاریسم را به این و یا آن نیروی طبقه حاکمه گره زند، باید نیروی اردوی برابری و سکولاریسم را بسیج کند و هر تعرض اسلاميون را در نطقه خفه کند. جنبش آزادی زن و جنبشهای

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸،۳۰ بوقت تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

کانال: KMTV

نشریه آزادی زن را توزیع کنید!